

سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت (۸)

مطلب هشتم: تخلف از سوگند (قسمت دوم)

اما جزئیات سوگند نامه :

- ۱- همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده .
- ۲- جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته.
- ۳- بر خلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهار ننمائیم.
- ۴- نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده.
- ۵- از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقامجویی احتراز نموده .
- ۶- در امور شخصی و کارهای که از طرف اشخاص انجام می دهیم راستی و درستی را رویه خود قرارداداده و مدافع از حق باشیم.

پس از قرائت سوگند نامه ما وکلای دادگستری شخصیتی دیگری می یابیم و می بایست در لوای سوگندی که یاد کردیم به همه مسائل اطراف اهمیت داده و به قولی

که با خدای خود بسته ایم و این شغل خطیر را پذیرفته ایم پایبند باشیم . نفس سوگندی که یاد می کنیم بسیار اهمیت دارد و ما وکلا با همین سوگندی که یاد می کنیم و اعمالی که در راستای سوگند یاد شده انجام می دهیم در میان قوای مقننه، مجریه و قوه قضائیه و همه اقشار جامعه بزرگ شمرده می شویم تا آنجا که یکی از مصادیق بارز ((رجل سیاسی)) نیز محسوب می شویم با ده سال وکالت و عدم دارا بودن تخلف انتظامی درجه ۴ به بالا این امر در سایه سوگندی است قرائت می کنیم و سوگندی است که باید به آن پایبند باشیم .

اما در قانون تخلف از سوگند خود فصلی جدا دارد ، در صورتیکه نگرشی کوتاه مشخص و معین می کند مجازاتی که در آئین نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری برای تخلف از سوگند تعیین شده توسط رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری بشماره ۶۶/۸۱/۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ نسخ شده است ، در نتیجه در صورت تخلف از سوگند از مجازاتهای درجه ۵ استفاده می شود طبق ماده ۵۱ قانون وکالت . مطلب مهم دیگر در این رابطه اینکه آیا تخلف از سوگند همین مواردی است که در سوگند به آن اشاره شده است؟! این موارد اکثرا " مجازاتی بالنفسه دارند ، چرا تخلف از سوگند

و چگونه تخلف از سوگند تلقی می گردند؛ خود پرسشی است که باید به آن پرداخت.

۱- در سوگند نامه آمده است قوانین را نقض نکنیم که مطمئنا" در این خصوص اگر وکیل دادگستری قانونی خاص را نقض کند، مجازات نقض آن قانون معلوم و مشخص است و با وی طبق قانون برخورد خواهد شد. ۲- در خصوص تخلف از نظامات کانون پردازیم که در این مبحث نیز ماده ۷۷ آئین نامه لایحه استقلال پاسخگو خواهد

بود. ۳- اگر بر خلاف عدالت و احقاق حق نظری داشته باشیم که بسیاری از مواد قانون وکالت و آئین نامه همانند مواد ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ به این مبحث پرداخته است. ۴- نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نمائیم، بند ۱۰ ماده ۸۰ از آئین نامه پاسخگو است. ۵- از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقامجویی احتراز نمائیم که ضمن مرتبط بودن این بند از تخلف از سوگند به اعمال خلاف شان بند ۱ ماده ۸۰ و همچنین ارتباط با بند ۲ از ماده ۸۱ آئین نامه، این بند جزء مطالبی است که فقط در سوگند نامه قید شده است، البته از آنجائیکه اعمال نظریات سیاسی همیشه با مسائل حقوقی عجین است، چگونگی اختلاص بین اعمال نظرات حقوقی با سیاسی خود مشکلات فراوانی را به همراه خواهد داشت، مثلاً" در مورد موکلین سیاسی مطمئنا" تشریح سیاسی را می طلبد و وکیل ناخود آگاه مجبور است در

خصوص مسائل سیاسی موکل خود که جامعه را نیز پوشش می دهد اظهار نظر نماید، لذا چگونگی تشریح و حمل این بند از سوگند نامه به وکلائی که موکلین و پرونده های سیاسی دارند خود جای بحث و سوال است . ۶- در مورد امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می دهیم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشیم ، همانند عدم پرداخت نفقه به زوجه و شکایت زوجه در دادگاه به اتهام ترک انفاق همانند ازدواج مجدد بدون اذن همسر اول مسائل شخصی اما خلاف شان وکالت. یعنی قسمت آخر بند ۱ ماده ۸۰ آئین نامه وکالت ، چگونگی حمل تخلف از سوگند در این بند نیز مشخص نیست . اما مطلب آخرسوگندنامه؛ آیا وکیل قادر است فقط مدافع حق باشد ؟ حق چیست ؟ در لغت نامه دهخدا حق مرتبه ضعیفی از ملکیت است یا امر ثابتی است که انکار آن روا نباشد . در متون حقوقی حقوق

مجموعه مقرراتی برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع است و بدیهی ترین مفهومی که از حقوق و قانون وجود دارد تحمیلی بودن آن و الزام آور بودن قواعد آن است . حق در نهج البلاغه بدین شرح است ((حق نقیض باطل است و باطل نقیض حق)) . با توجه به توضیحی که در خصوص حق داده شده آیا وکلا می بایست فقط به حق بنگرند؟ آیا حق همان ((قانون)) است ؟ آیا هر آنچه را که قانون بدان حکم می کند حق است ؟ و یا هر آنچه را که حق بدان حکم می کند قانون نیز آنرا به رسمیت می شناسد؟

آنچه که مسلم است وکیل بر مبنای قانون از موکل خود دفاع می کند و اینکه وکیل نه سمت الهی دارد و نه تشخیص ماورایی بلکه طبق قانون گام بر می دارد و از موکل خود وکالت می گیرد و از او مطابق قانون دفاع می نماید. در مثال آیا وکالت‌های معاضدتی یا تسخیری که به وکلا واگذار می گردد همه و همه حق است؟ یا قانون است که به وکیل اذن دخول می دهد؟ مثال دیگر در پرونده هایی همانند قتل یا مواد مخدر یا روابط نامشروع و اقتباس آن با بحث زنا وکیل به حق دفاع می کند یا به قانون؟ اگر منظور حق را در سوگند همان قانون بدانیم صحیح است اما اگر خلاف آن باشد وکیل قادر نیست. ((یعنی اصلاً در توان وی نیست که حق را ارز ناحق تشخیص دهد وکیل و قاضی جاهل بین عالمین هستند)) در نتیجه قاضی دادگاه که می بایست به حق و عدالت و انصاف رای صادر کند هرگز قادر نیست آنچه را که حکم می کند حق بداند بلکه خود را مجاب در اجرای قانون نمی داند و به نظر این حقیر هر آنچه را که قانون بدان حکم می کند نفس ((حق)) نیست ، بلکه حقی است که برای یک انسان شناخته شده است ، همانگونه که قبلاً اشاره شد وقتی وکالت تسخیری یک قاتل به یک وکیل دادگستری اعطاء می گردد، ((حق)) در این زمان حقی است که قانون برای یک

مجرم یا متهم به قتل لحاظ کرده است ، نه حقی که معنایش ((ضد باطل)) باشد و وکیل از حقوقی که قانون برای یک قاتل متصور شده دفاع

می نماید. در نتیجه این قسمت متوجه شده ایم، اکثر مسائلی که در سوگند نامه بدان اشاره شده خود تخلفی مستقل بوده و مجازاتی مستقل دارد، بخصوص بحث اعمال خلاف شان وکالت که بسیار با این تخلف عجین است. اما مهمترین قسمتی که در این نوع از تخلف به آن پرداخته می شود همان اعمال خلاف صداقت و درستی وکیل است؛ وکیل می بایست در کلیه اعمال وکالتی و غیر وکالتی (خصوصی) صادق باشد، عدم پیشرفت دعوی را دراموری که نسبت به آن قبول وکالت می نماید به موکل خاطر نشان نماید، ضعفهای کاری را که قبول وکالت می نماید و موقعیت موکل را درخصوص پرونده روشن کند، درتنظیم لوایح کتبی و مدافعات و اظهارات شفاهی دردادگاه نیز وکیل می بایستی صداقت و درستکاری را سرلوحه خود قرار دهد. یکی از مواردی که خود می تواند به نوعی عدم صداقت و درستی وکیل را نمایان کند و خود ماده خاصی از قانون وکالت را شامل می گردد بند ۹ ماده ۸۰ ((در صورتی که برای تطویل دادرسی به وسیله خدعه آمیز از قبیلمتوسل شود)) متخلف به درجه ۴ محکوم می گردد.

بندهای ۳ و ۲ از ماده ۸۰ آئین نامه نیز که درجه ۴ محکومیت برایش لحاظ شده به نوعی خود عدم صداقت و درستکاری وکیل را نشان می دهد که مطمئناً با توجه به نوع اعمال وکیل در دادسرا با وکیل خاطی برخورد خواهد شد.

مطلب با اهمیت دیگر در خصوص مجازات تخلف از سوگند است که نمونه رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری در قسمت اول این مرقومه تقدیم

شد، مطابق ماده ۸۱ از آئین نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری ((متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد بند ۳ -در صورت تخلف از سوگند)) مجازاتهای درجه ۶ و ۵ از ماده ۷۶ آئین نامه بوسیله رای مذکور بشماره ۶۶/۸۱/۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ ابطال شد. به همین دلیل وفق ماده ۴۹ از قانون وکالت با وکیل خاطی برخورد می گردد.

سوال می گردد؛ برخورد قانون با کار آموزان وکالت که مرتکب این تخلف شده اند چیست؟ و با کار آموزان وکالت چگونه برخورد انتظامی می گردد؛ همانگونه که قبلاً اشاره شد، با توجه به شباهت بسیار زیاد این تخلف با عمل خلاف شان وکالت بوسیله وکیل برخورد انتظامی که در دادسرا صورت می گیرد همانند عمل خلاف شان است اما اگر سخت تر به موضوع نگاه کنیم تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری صراحتاً "اعلام می دارد؛ کار آموزان وکالت در دوران کار آموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کار آموزی خلاف ان احراز شود با تایید رئیس کانون و رای دادگاه انتظامی کانون پروانه کار آموزی آنان ابطال خواهد شد. مطمئناً قانونگذار در تضمین این ماده قصد داشته کار آموزان را نیز از تحمل مجازات قانونی تخلف از سوگند بی نصیب نگذارد و بدینوسیله به کار آموزان وکالت هشدار می دهد که از خط قرمز ((صداقت و درستی در کار و زندگی)) عبور نکنند.

در پایان متذکر می گردد؛ در آئین نامه جدید اجرائی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۱۸/۳/۲۷ که بوسیله ریاست محترم قوه قضائیه تعلیق شد و همچنین پیش نویس های مختلف طرح جامع وکالت که فعلاً در دست بررسی است، تخلف از سوگند که از موارد تخلفات وکلای دادگستری محسوب می

گردید حذف شده بود. که با توجه به عدم قطعیت این پیش نویسها امکان آن است که این بند از تخلفات انتظامی در طرح جامع وکالت پیش بینی شود.

نظریه کمیسیون امور حقوقی به شماره ۱۷۴۷۸ مورخ ۸۰/۹/۲۰ مرتبط با اعمال تخلف از سوگند کار آموزان وکالت و تفاوت بین اعمال خلاف شان وکالت و موارد عدم صداقت و درستی ذیلاً تقدیم می گردد:

(نظریه کمیسیون امور حقوقی به شماره ۱۷۴۷۸ مورخ ۸۰/۹/۲۰)

سوال: آیا با وجود اینکه کار آموزان وکالت تحت شمول مقررات انتظامی وکالت می باشند می توان آنها را به استناد تخلف از قسم (قسمی که هنوز ادا نگردیده است) محکوم نمود؟ مجازات عدم رعایت صداقت و درستی یک کار آموز چه می باشد؟

جواب: با توجه به ماده ۸۸ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای د رخصوص کار آموزان وکالت اعمال خلاف شئون وکالت مصداق دارد، لیکن

چون کار آموزان سوگند یاد نکرده اند ، تخلف از سوگند راجع به آنان منتفی است .

(نظریه کمیسیون امور حقوقی به شماره ۱۷۴۷۸ مورخ ۸۰/۹/۲۰)

عطف به نامه وارده تحت شماره ۶۰۰۸ مورخ ۸۰/۳/۲۴ موضوع در کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون مطرح و به شرح آتی اظهارنظر گردید:

سوال: چگونه می توان بین اعمال خلاف شان وکالت (موضوع قسمت اخیر بند یک ماده ۸۰ آئین نامه لایحه قانونی استقلال وکلاء) و عدم رعایت صداقت و درستی موضوع بند ۳ ماده ۸۰ همان آئین نامه (تخلف از قسم) تمیز قائل شد؟ آیا هر اقدام

خلاف شئون وکالتی می تواند موضوع تخلف از قسم نیز باشد؟ آیا بین این دو ملازمه ای وجود دارد؟

جواب : موارد و مصادیق اعمال خلاف شئون وکالت اعم از تخلف از سوگند است و مجازاتهای انتظامی آن متفاوت می باشد.

در پایان از همکاران محترم تقاضا دارم ما را در کاری که شروع کرده ایم یاری دهند و در صورتیکه موضوعات مبتلا به در دسترسشان است در ستون اعلام نظرات جهت بهره برداری همگی همکاران مرقوم نمایند، امید است مفید فایده قرار گرفته و برای شخص حقیر و همکاران محترم مثمر ثمر باشد .

منبع:

۱- مجله کانون وکلای دادگستری مرکز

۲- مجموع کامل مقررات وکالت دکتر نصرالله قهرمانی و ابراهیم یوسفی محله

با تشکر عبدالله سمایی

وکیل پایه یک دادگستری